

روزی که باران می بارید

بعد از ظهرها - دگان - قاب فروشی - فلزی - عکس - رهگذران - بی اختیار - می ایستادند -
صندلی - دستمال - لذت - مخصوصاً - بوستان - کوهستان - مغازه - انتظار - مشغول -
بلندقد - عینک - صاحب - قهوه ای رنگ - پیغامی - قول - خدا حافظی - منظور - آهی -
عصر - سرگرم - شاهنامه ی فردوسی - دستگیره - کیف چرمی اش - یا صاحب الزمان
،عجل الله تعالی فرجه - مشغول - غرق - تفکر -

بال در بال پرستوها

سوار سبزپوش - رسم - پیشواز - نوبهار - فضای - فواره - سرگرم - صحبت - اسفند - گلاب -
عود - جاودان - عطر - شعر - سرود